

■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۶۸۸ ■ شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۰

# ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سرمدیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۳/۱۱ | آذان مغرب ۲۹/۲۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۲ | آذان صبح فردا ۴/۳۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۲

**امام کاظم(ع):**

هر که می‌خواهد که قویترین مردم باشد بر خدا توکل نماید.

**سخن روز**

**بحار الانوار**، ۷، ص ۱۴۳

**نگاره**

پریسا نور اللهی



روز اهدای خون



**هنرمندان در فضای مجازی**

**این روزها هنرمندان از طرح صیانت از فضای مجازی می‌گویند، از عدم امنیت برای کاربرانی که از این طریق امرار معاش می‌کنند. طرح صیانت از فضای مجازی هنرمندان بحث روز فضای مجازی است.**

■ تولدت مبارک آقای کارگردان



زمینی در آسمان هنرش ستاره ای چون شما درخشان بوده و هست و خواهد بود به سلامت و عشق. سال‌گشت چشم به دنیا‌گشودن تان مبارک تان و مبارک مان،» تینا پاکروان هم بخشی از کتاب «حسد بر زندگی عین القضاة» اثر مسعود کیمیایی را به مناسبت زادروز این نویسنده و کارگردان نوشت. بهزاد عبیدی در مقام آهنگساز هم با انتشار موسیقی «قاتل اهلی» از ساخته‌های خودش تولد این هنرمند را تبریک گفت. از سوی دیگر انتشار اولین تیزر از پشت صحنه «خانن کشی» همزمان با زادروز هشتاد سالگی مسعود کیمیایی همراه شد.

■ چهره‌ها



**محسن چاووشی** هم خبر از انتشار قطعه موسیقی جدیدی به مناسبت عید غدیر داده است: «پیشکش به نام نامی «علی» و ذات مبارکش... به علی غدیر و خبیر... به علی اول و آخر که تولی جز به او و پرورد گارش دور است و ناروا.» این قطعه توسط اشکان عرب تنظیم شده است وعادل روح نواز (گیتار الکتریک)، بهروز میرزایی (گیتار اکوستیک )، امیرحسین کبانیوره (دودوک) از دیگر عوامل این کار هستند.



**رسول صدرعاملی:** این مدت ویدیویی از کیت بلانشت در فضای مجازی منتشر شد که او در حال گفت وگو با مجید مجیدی، جواد عزتی و بازیگران کودک فیلم «خورشید» در رخاشیه مراسم بنو ۲۰۲۰ بود. ذوق او از دیدن عوامل و تحسینش در این ویدیو باعث شد که از ویدیوهای پرمخاطب این روزها باشد. حال رسول صدر عاملی با انتشار این ویدیو نوشت: «شخصیت هنرمند، حرفه ای بودن ادا و اطوار نیست یک ذات است ، رفتار و کردار هنرمندانه باید داشت.»



**علیرضا کوشک جلالی،** نویسنده و کارگردان تئاتر هم در صفحه شخصی خود از ثبت هورامان ابراز خرسندی کرده است: «هورامان در فهرست جهانی یونسکو ثبت شد. بیست و ششمین میراث جهانی ایران به نام «منظر فرهنگی هورامان و اورامانات» ثبت شد. هورامان در استان‌های کرمانشاه و کردستان با حدود ۴۰۹ هزار هکتار عرصه و حریم قرار دارد که ۱۰۶ هزار هکتار آن مربوط به عرصه و ۳۰۳ هزار هکتار نیز جزوحریم است.»

**اشکان کمانگیری،** خواننده هم با انتشار قطعه آلبوم موسیقی «مرا آواز دادی» از ساخته‌های محمدجواد ضرابیان از شرایط کرونا و کار کردن در این ایام گفت و خواستار خرید قانونی قطعات موسیقی برای حفظ حقوق هنرمندان شد: «کار موسیقی در شرایط اضطراب کرونا سخت است.دروپ در هنرمندان موسیقی که از میراث شفاهی این خاک حفاظت می‌کنند.پاسبانی از یک نغمه پاسبانی از خاک و هویت است.»

■ تازه‌های نشر



نشر افق در صفحه خود با موضوع دوستی کتاب هایی را پیشنهاد داده است: «با انتخاب کتاب‌های داستانی مناسب که با درون‌مایه دوستی نوشته شده‌اند، دریچه‌ای برای کودکان و نوجوانان بگشاییم تا آنها بتوانند احساسات خودشان و چالش‌های رابطه‌های دوستانه را بشناسند و به راه‌حلی برای بهبود روابطشان با دیگران مجهز شوند. کتاب‌های پیشنهادی مجموعه‌ای از داستان‌های جذاب و دلنشینند که خواندن آنها هم سرگرم‌کننده و لذت‌بخش است و هم می‌تواند نقشی مؤثر در دوستی و دوست‌یابی کودکان و نوجوانان داشته باشد. والدین و معلمان و مشاوران نیز می‌توانند برای درک بهتر موقعیت‌هایی که فرزندان و دانش‌آموزانشان در زندگی روزمره تجربه می‌کنند، این کتاب‌ها را بخوانند و به ایده‌هایی خلاقانه برای راهنمایی و همراهی با بچه‌ها دست یابند.»

نشر بیدگل هم خبر از انتشار داستان های جدیدی از **کارسون مکالرز** داده است: «داستان‌های کارسون مکالرز، نویسنده آمریکایی، یک پیش‌فرض اساسی دارند: تنهایی، اصل ثابت زندگی انسانی است و نمی‌توان آن را برای مدت زمان زیادی فرونشاند و تسکین داد. تمامی کاراکترهای مکالرز به گونه‌ای از دیگران بیگانه‌اند و در هرکدام از آنها کیفیتی وجود دارد که سبب طردشان می‌شود: انسان‌هایی تک‌افتاده و گرفتار در تمنای اسف‌بار برای برقراری ارتباط.»

## متن سریال «یاور» زن‌ستیز بود

**شبنم فرشادجو:** مهم‌ترین نقدی که به سریال ما وارد بود، به‌خاطر متن بود وزن‌ستیزی که در آن وجود داشت. این نقدی بود که شد و من هم با آن موافق هستم. من طرفدار بانوان و جزو مخالفان این متن بودم. متأسفانه باید اقرار کنم بدون خواندن فیلمنامه قرارداد بستم و به‌گروه اعتماد کردم. درباره نقش پرسیدم و دیدم خانم خانواده‌است. ۵۶ خط برابرم توضیح دادند و من گفتم قرارداد می‌بندم. گروه یک و دو داشتند فیلمبرداری می‌کردند که من اضافه شدم. همه نقش‌ها قرار دادشان را بسته بودند. حالانمی‌دانم به چه علتی هنوز بازیگر این نقش پیدا نشده بود. من گفتم فیلمنامه را برابرم به‌خانه بفرستید. قرارداد بستم و رفتم خانه و شروع به خواندن کردم. من باحرف‌های منتقدان درباره کلیشای بودن و مردسالار بودن این سریال موافق هستم. به‌نظرم همه چیز را نباید گردن زمان انداخت و به‌هر حال این متن نویسنده‌ای داشت و واقعیت را می‌شد از خلال متن متوجه‌شد.

بخشی از صحبت‌های بازیگر سریال «یاور» در برنامه «سریالیست»



سوگنامه ای در مرگ محمدسرور رجایی

# دلم سکوت می‌خواهد

هیچ یادم نمی‌آید که هر وقت و به‌هر دلیل نامی از افغانستان در میان آمده به‌مقصدی جز وطنی غارت شده و مردمانی نشسته به ماتم آوارگی ختم نشده باشد. عزای عظیم بی‌وطنی را شاعرانی گرم نگه داشته‌اند که به‌هر کجای جهان، فغان‌نویس بوده‌اند. انگار که به دنیا آمده‌اند که در کامشان همه تلخی‌های جهان چکانده شود. پیامبران غمگینی که به نوشتن

از دردها و روایت

نامردمی‌ها مأمورند و صحنای سرگردان خویش را به دیگر روزهایی ندیده و نشنیده، بشارت می‌دهند. «محمدسرور رجایی» وطن‌گریخته‌ای شاعر بود که دل در کابل و پای د تهران داشت. میهمان رنجوری بود که با آن دو چشم افغان و دوچندان حیا و حجب می‌توانست خلاصه‌ای دقیق از وطنش باشد. او را

از روزی شناختیم که در برنامه کتاب‌باز، روبه‌روی سروش صحت، در عزای فرزندان به خاک و خون کشیده دانشگاه کابل، بغض کرده بود و غزل «جان پدر کجاستی» می‌خواند. می‌گفت که: «این جمله جان پدر

**پیاده رو**



**ارمغان بهداروند**  
شاعر

نامردمی‌ها مأمورند و صحنای سرگردان خویش را به دیگر روزهایی ندیده و نشنیده، بشارت می‌دهند. «محمدسرور رجایی» وطن‌گریخته‌ای شاعر بود که دل در کابل و پای د تهران داشت. میهمان رنجوری بود که با آن دو چشم افغان و دوچندان حیا و حجب می‌توانست خلاصه‌ای دقیق از وطنش باشد. او را از روزی شناختیم که در برنامه کتاب‌باز، روبه‌روی سروش صحت، در عزای فرزندان به خاک و خون کشیده دانشگاه کابل، بغض کرده بود و غزل «جان پدر کجاستی» می‌خواند. می‌گفت که: «این جمله جان پدر

به مناسبت خجسته میلاد امام موسی کاظم (ع)

## الگوی عفو واحسان

وجود مبارک امام موسی کاظم(ع) همزمان با بیستمین طلوع ماه ذی‌الحجه سال ۱۲۸ ه‍.ق در کاروان امام صادق(ع) که از حج باز می‌گشت، درروستای «ابوا» آخرین منزل قبل از رسیدن به مدینه، به وقوع پیوست واین خبر مسرت بخش بسرعت دهان به دهان شد.ازقول امام صادق(ع) نقل شد که: «خواندن بزرگ، پسری به من عنایت فرمود که بهترین خلق است.» امام صادق(ع) نام موسی را بر فرزند نهاد، زیرا این نوزاد همچون همنام خود موسای نبی(ع) مأموریت داشت تا با تفرعن و ظلم طاغوت زمان خویش درافتد و نقاب از چهره بت‌های دروغین آن زمان برگیرد. امام موسی کاظم(ع) در دوران مقتدرترین خلیفه عباسی یعنی هارون الرشید می‌زیست و آشکارا از ظلم وفساد خلیفهٔ انتقادمی‌کرد و مسلمانان را ازهمکاری با دستگاه‌بنی عباس برحزمی‌داشت و بارها می‌فرمود: «آنان که به ستمکاران تکیه می‌کنند گرفتار دوزخ می‌شوند.»

دوران امامت امام هفتم حضرت موسی بن جعفر(ع) مقارن بود با سال‌های آخر خلافت منصور عباسی و در دوره خلافت هادی و ۱۳سال از دوران خلافت هارون که سخت‌ترین دوران عمر آن حضرت به‌شمار می‌رود، امام موسی کاظم(ع) از حدود ۲۱سالگی با وصیت پدر بزرگوار و امر خوانده متعال به مقام بلند امامت رسید و مدت امامت آن حضرت ۳۵ سال بود.

امام کاظم(ع) به تصدیق همه مورخان، به زهد و عبادت بسیار معروف بوده‌است و از عبادت و سخت‌کوشی به «عبد صالح» معروف و در سخاوت و بخشندگی مانند نیاکان بزرگوار خود بود. از حضرت موسی کاظم روایت شده‌است که فرمود: پدرم امام صادق(ع) پیوسته مرا به سخاوت داشتن و کرم کردن سفارش می‌کرد. ایشان با آن کرم و بزرگواری و بخشندگی خود لباس خشن بر تن می‌کرد که این خود نشان دیگری از بلندای روح و صفای باطن و بی‌اعتنایی بی‌امام به زرق و برق های دنیا است. امام موسی کاظم(ع) نسبت به زن و فرزندان و زیردستان خود بسیار با عاطفه و مهربان بود و همیشه در اندیشه فقرا و بیچارگان بود و پنهان و آشکار به آنها کمک می‌کرد. برخی از فقرای مدینه او را شاخه بودند اما بعضی پس از تبعید حضرت از مدینه به بغداد به کرم و بزرگواریش پی بردند و آن وجود عزیز را شناختند.

امام کاظم(ع) به تلاوت قرآن مجید انس زیادی داشت و قرآن را با صدفلی حزن و خوش تلاوت می‌کرد. آن چنان که مردم در اطراف خانه آن حضرت گرد می‌آمدند و از روو شوق و رفت گریه می‌کردند. کاظم یعنی: نگهدارنده و فروخورنده خشم. این رفتار در برابر کسی یا کسانی بوده که از راه جهالت و نادانی یا به تحریک دشمنان به کارهای زشت و دور از ادب دست می‌زدند. رفتار حکیمانه و صبورانه آن حضرت کم کم، حقانیت‌خاندان عصمت واهل بیت(ع) را بر آثار روشن می‌ساخت، اما آنجا که پای گفتن کلمه حق در برابر سلطان و خلیفه ستمگری پیش می‌آمد، امام کاظم(ع) می‌فرمود: «قل الحق و لو کان فیه هلاک،»یعنی: حق را بگو اگرچه آن حقوقی موجب هلاک تو باشد.

در فروتنی نمونه بود، با فقرای می‌نشست و از بینوایان دلجویی می‌کرد. بنده را با آزاد مساوی می‌دانست و می‌فرمود همه، فرزندان آدم و آفریده‌های خداییم. براستی امام موسی بن جعفر(ع) فقیهی دانا و توانا و متکلمی مقتدر و زیدست بود.» او در علم و تواضع و مکارم اخلاق و کثرت صدقات و سخاوت و بخشندگی ضرب المثل بود. بدان و بداندیشان را با عفو و احسان بیکران خویش تربیت می‌فرمود. به آن حضرت لقب‌هایی چون کاظم (کسی که خشم خود را کنترل می‌کند)، صابر (صبر کننده)، صالح (درستکار) و امین داده‌اند. ایشان یک لقب مهم دیگر هم به‌نام باب‌الخواج دارند.

امام موسی کاظم(ع) در مجالس درس پدر، که مؤسس هارون‌اصرار داشت که‌بنی‌عباس از نظروراثت به‌مقام‌خلیفگی پیامبرسزاوارترند، زیراعباس جداصلی آنان عموی پیامبربود. غافل از آنکه‌موضوع امامت امری الهی است وامام(ع) در مقام استدلال و اثبات حقانیت خود، ویدرانش به آیه‌مباهله استناد می‌کرده‌که ضمن آن رسول خدا(ص)، علی(ع) و خاندان او، فاطمه(س) و حسن و حسین(ع) رنفس و جان خود معرفی کرد.

## پیشنهاد



**سحر بگانی**  
کارشناس نشر

رمان «نیمی از خورشید زرد» با ترجمه «سولماز دولت‌زاده» رمانی از بانوی نیجریه‌ای «چیماماندا نگرزى آدیچی» است که به جنگ خونبار نیجریه در بازه زمانی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی می‌پردازد. آدیچی در این شاهکار تأثیرگذار و خواندنی، خاطره تلخ جنگ فراموش‌شده بیافرا و نیجریه را برای جهانیان زنده می‌کند؛ جنگی که جهانیان را به حیرت انداخت، اما مانند جنگ ویتنام دیده و شنیده‌نشد. نویسنده برای روایت این واقعه تاریخی در قالب داستانش از واقعیت الهام گرفته و واقعیت را با قوه تخیل قوی خود روز داده‌است و در نتیجه می‌بینیم شخصیت‌پردازان رمان تا چه حد قوی و هنرمندانه‌است. جنگ در این کتاب چهره کریه خود را هر لحظه به مخاطب نشان می‌دهد؛ جنگی که پس از قریب به پنجاه سال از پایان آن هنوز هم بازگویی و یادآوری وقایع تکان‌دهنده‌اش وجدان خفته هر انسان آزاده‌ای را بیدار می‌کند. جمهوری بیافرا در آن زمان در جنوب شرقی نیجریه قرار داشت؛ این جمهوری با جدا شدن از نیجریه بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ اعلام موجودیت و استقلال کرد، اما از آنجا که سرشار از معادن و ذخایر نفتی بود، دولت‌های استعماری تاب این استقلال را نیاوردند و بریتانیا با تمام وجود علیه این استقلال طلبی موضع‌گیری کرد. جمهوری بیافرا شعار صلح و آزادی و اتحاد سر داد. سرودش سرزمین آفتاب تابان بود و نشانش «نیمی از خورشید زرد». هزاران کشته و میلیون‌ها آواره و از دست رفتن جان دو میلیون انسان بی‌گناه از قحطی ویرانگر حاصل از این جنگ، تنها نمونه‌های کوچکی از پیامدهای این جنگ به‌شمار می‌آید.

نویسنده، که نزدیکانش را در این جنگ از دست داده، به‌خوبی و در واقع هنرمندانه تصاویر این رویداد ترسناک و خونبار را پیش چشمان خواننده قرار می‌دهد. به تعبیر خود آدیچی، او سعی کرده بین واقعیت و روایت داستانی توازن و تعادلی درست ایجاد کند، اما بدون شک همه این تصاویر و جملات نمی‌تواند توصیف دقیقی از جنایت و عمق درد و رنجی باشد که بر مردمان بیافرا تحمیل شده. تابلویی که این رمان مقابل چشمان مخاطبش قرار می‌دهد آشکارا گویای تلاش آدمی برای زنده ماندن، برای زندگی بهتر و امید به این است که آزادی دست‌یافتنی است و این‌جاست که باید همواره به معجزه ادبیات ایمان داشت. داستان او زبان و صدای تاریخ است، صدایی که از قلم نویسنده‌ای برمی‌خیزد که همواره در آثارش راوی واقعیت‌های سرزمینش و نیز رنج‌ها و تبعیض‌های انسان‌های آن بوده. او سکوت نمی‌کند، زیرا معتقد است سکوت یعنی مرگ، یعنی بیهودگی. «نیمی از خورشید زرد» که به همت نشر «آفتابکاران» منتشر شده، تیرگی را در هم می‌شکند و پیام اصلی داستان را با روح آدمی گره می‌زند. گفتنی است که از این رمان نیز سریالی به همین نام ساخته شده است.

- نیمی از خورشید زرد**
- نویسنده: چیماماندا نگزى آدیچی**
- مترجم: سولماز دولت‌زاده**
- ناشر: آفتابکاران**



خواننده قرار می‌دهد. به تعبیر خود آدیچی، او سعی کرده بین واقعیت و روایت داستانی توازن و تعادلی درست ایجاد کند، اما بدون شک همه این تصاویر و جملات نمی‌تواند توصیف دقیقی از جنایت و عمق درد و رنجی باشد که بر مردمان بیافرا تحمیل شده. تابلویی که این رمان مقابل چشمان مخاطبش قرار می‌دهد آشکارا گویای تلاش آدمی برای زنده ماندن، برای زندگی بهتر و امید به این است که آزادی دست‌یافتنی است و این‌جاست که باید همواره به معجزه ادبیات ایمان داشت. داستان او زبان و صدای تاریخ است، صدایی که از قلم نویسنده‌ای برمی‌خیزد که همواره در آثارش راوی واقعیت‌های سرزمینش و نیز رنج‌ها و تبعیض‌های انسان‌های آن بوده. او سکوت نمی‌کند، زیرا معتقد است سکوت یعنی مرگ، یعنی بیهودگی. «نیمی از خورشید زرد» که به همت نشر «آفتابکاران» منتشر شده، تیرگی را در هم می‌شکند و پیام اصلی داستان را با روح آدمی گره می‌زند. گفتنی است که از این رمان نیز سریالی به همین نام ساخته شده است.

- نیمی از خورشید زرد**
- نویسنده: چیماماندا نگزى آدیچی**
- مترجم: سولماز دولت‌زاده**
- ناشر: آفتابکاران**

## عکس نوشت

**شامگاه روز پنجشنبه، کنسرت آنلاین کیهان کلهر به همراهی اردال ارتچان نوازنده باغلاما با حمایت بنیاد فرهنگی هنری رودکی در تالار وحدت برگزار شد. هنرآنانلین از این کنسرت گزارش تصویری رفته است.**



ایله/ داستایوسکی  
سروش حبیبی

کسی که به‌خودش دروغ می‌گوید و به دروغ خودش گوش می‌دهد، کارش به جایی خواهد رسید که هیچ حقیقتی را نه از خودش و نه از دیگران تشخیص نخواهد داد!

## در ستایش تقلید

تقلید یکی از مهارت‌های اصلی انسان در مسیر تمدن‌سازی و توسعه بوده‌است. انسان‌ها از طریق تقلید توانستند طبیعت را درک کنند و حیات خود را در میان موجوداتی توانمندتر و قوی‌تر از خود حفظ کنند. نگاهی گذرا به آثار فیلسوفان باستان –خاصه از نوع یونانی آن– اهمیت تقلید در زندگی انسان را به‌خوبی روشن می‌سازد. تا همین امروز یکی از شیوه‌های یادگیری در بسیاری از فنون و مهارت‌ها، تقلید است. این روش علاوه بر صنایع، در خصوص فنون هنری و سرگرمی‌سازی نیز رواج داشته و دارد. مثلاً بسیاری از نویسندگان خوب از طریق تقلید و حتی رونویسی آثار بزرگان پیش از خود، نویسندگی را آموخته و سبک خاص خود را پیدا کرده‌اند.

تقلید در خصوص برنامه‌های تلویزیونی نیز بسیار رایج است و می‌تواند فعالان این حوزه را توانمندتر و در کار خود پخته کند. ما باید بپذیریم که در برابر رسانه‌های بزرگ و کارآمد جهانی در مرحله آماده‌سازی و یادگیری قرار داریم و برای یافتن کیفیت لازم در سبک و شیوه خود(در سطحی قابل قبول) از تقلید ناگزیر هستیم. تقلید خوب، از تولیدی ارزشمند و موفق در سطح جهانی، با ذکر منبع و خرید کپی رایت، کمک می‌کند تا استانداردها در رسانه رشد کند و امکان تولیدات تألیفی با کیفیت مطلوب فراهم شود. اخیراً نیز بیش از پیش انواع برنامه‌های تلویزیونی مشهور دنیا اعم از مسابقات استعدادیابی، برنامه‌های ترکیبی شادی آور یا گفت‌وگو– نمایش‌های نیمه شبی، در صداوسیما و شبکه‌های نمایش خانگی ساخته می‌شود اما اغلب سازندگان یا اصراری غیرواقعی بر اصالت آثار خود دارند یا بیشتر سعی می‌کنند ضمن گرته‌برداری از ایده‌هایی از برنامه‌های غربی، با غلط‌های مرسوم و عادت شده خود، اثر را بازسازی کنند، که اغلب منتج به ضعف و ناقص الخلقگی نتیجه می‌شود. این تغییرات تا جایی که فرهنگی یا به‌دلیل قوانین متفاوت، اجتناب‌ناپذیر باشد قابل درک است اما آنچه بیش از همه نیازمند توجه و آموزش است ساختار حرفه‌ای برنامه‌سازی و مدیریت آن است، نه خود برنامه‌ها.

تداوم و پیش‌بینی‌پذیری از یک سو، نظم و ارائه فکر شده برنامه از سوی دیگر از ملزومات کار در رسانه است، که در اغلب کشورهای صاحب رسانه، الگو و ساختار قابل تقلید پیدا کرده است. رسانه اینک مصرف‌هر روزه مردمان است که در ارتباط با انبوهی از مخاطبان تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرد. رسانه درست مثل غذا شده است؛ هم استمرار و کمیت آن مهم است، هم کیفیت و محتوای آن.

فقدان نظم و تداوم در رسانه‌های ما بسیار برجسته‌است. به سادگی و به علت‌هایی اغلب غیرفنی و غیرشفاف، یک برنامه تولیدش متوقف می‌شود و یا به تعویق می‌افتد. ناگهان برای یک فصل رسانه خالی از برنامه‌های پرمخاطبی است که پیش از آن هر شب و به شکلی مداوم به مخاطب ارائه می‌شد. گویی رسانه صرفاً در یک روزمرگی کوتاه مدت، اداره می‌شود. این در حالی است که دست کم رسانه ملی بودجه نسبتاً قابل توجهی صرف دفاتر و معاونت‌هایی می‌کند که کارشان پژوهش، تعیین استراتژی و طراحی تولیدات است، اما با این حال و با وجود ثبات چنددهه‌ای فکری و ساختاری مدیریت در رسانه ملی، تولیدات این مجموعه معظم، فاقد تداوم و پیش‌بینی‌پذیری به‌عنوان اصلی ابتدایی و بدیهی است. به بیان دقیق‌تر رسانه ملی فاقد تعهد به مخاطب است. پس آنچه بیش از پیش نیاز به تقلید دارد، تقلید در مدیریت رسانه است.

